

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۳ (پیاپی ۲۷)، پاییز ۱۴۰۰

صص: ۹۵-۱۱۴

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

شاخصه‌های رئالیسم در کتاب خاطرات شازدهٔ حمام

دکتر محمود صادق‌زاده

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

فاطمه چاشنی‌گیر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

کتاب خاطرات شازده‌ی حمام اثر روایی محمدحسین پاپلی یزدی استاد جغرافیای انسانی است. نویسنده در این کتاب نمایی واقعی از اوضاع اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی شهر یزد در خلال دهه‌ی سی تا چهل شمسی را با نگاهی مردم‌شناسانه نشان می‌دهد. وی با استفاده از مشاهده‌ها و تجربه‌های عینی خود به بازتاب واقعیت‌ها پرداخته است. در این جستار سعی بر آن شده است تا به شیوه‌ی توصیفی و تحلیل محتوایی به اصلی‌ترین شاخصه‌های رئالیستی و توصیف‌های جزئی این کتاب هم‌چون اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مکان، زمان، شخصیت‌ها، خصوصیات اخلاقی، زبان و لهجه، وضعیت اقتصادی و فاصله‌ی طبقاتی و ... پرداخته شود. شخصیت‌های داستان‌های کوتاه او زنده، واقعی، متنوع و گوناگون هستند. در حقیقت آن‌چه می‌نویسد با آن‌ها زندگی کرده است و بدین‌گونه با بیان جزئیات، حس هم‌دردی و توصیف دقیق رویدادها، روابط بین انسان‌ها، هنجارهای اخلاقی و موقعیت‌های اجتماعی، بر رئالیستی بودن کتاب مهر تایید زده است. در داستان‌های پاپلی ویژگی‌های رئالیستی بسامد بالایی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها بیان وقایع اجتماعی است. نویسنده در تحلیل روابط موجود در جامعه از توصیف جزئیات زندگی غفلت نکرده است. پاپلی با پی‌گیری سیر حوادث اجتماعی شهر یزد در دهه‌ی سی تا چهل به داستان‌هایش ارزش تاریخی نیز بخشیده است.

واژگان کلیدی: خاطرات شازده‌ی حمام، شاخصه‌های رئالیسم، پاپلی یزدی، وقایع اجتماعی

۱- مقدمه

۱-۱- اهمیت و بیان مسأله

یکی از شیوه‌های نقد داستان بررسی آن از دیدگاه مکاتب مختلف ادبی است. در میان این مکاتیب ادبی، رئالیسم جایگاه خاصی دارد زیرا در این مکتب نثر از اهمیت خاصی برخوردار است. «واژه‌ی رئالیسم مستقل‌ترین، انعطاف‌پذیرترین و غول‌آسازترین اصطلاح در نقد ادبی می‌باشد» (گرانث، ۱۳۸۷: ۱۱).

رئالیسم ابتدا در عرصه‌ی ادبیات رخ نداد بلکه در زمینه‌ی نقاشی بود. پیشوای رئالیسم در نقاشی، «گوستاو کوربه» است. اگرچه نقاشی کوربه توسط رمانتیک‌ها مورد تحقیر واقع شد، اما کوربه به دفاع از آن پرداخت. مبارزه‌ای که در سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ روی داد به پیروزی وی انجامید و توانست مورد محبوبیت واقع گردد. پیروزی کوربه تأثیر به‌سزایی در ادبیات گذاشت چرا که وی در سال ۱۸۵۱ اعلام کرد که مدافع رئالیسم و پاکباز حقیقت واقع است و او هم‌چنین کمک شایانی به نویسندگان رئالیست کرد (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

این مکتب تا سال ۱۹۱۴ شکل غالب نگارش بود و با وجود رو به افول رفتن جنبش رئالیسم این سبک در داستان‌نویسی ادامه یافت و طرفداران خاصی به خود اختصاص داد. بالزاک پیشوای مسلّم نویسندگان رئالیست می‌گوید: «داستان‌نویس باید جامعه‌ی خود را تشریح کند و تیپ‌های موجود در این جامعه را نشان دهد؛ وی گفت کار نویسنده از یک لحاظ شباهت زیادی به کار مورّخ دارد و در حقیقت نویسنده‌ی مورّخ عادت و اخلاق مردم و اجتماع خویش است» (همان: ۲۷۱).

آن‌چه برای نویسندگان رئالیست اهمیت دارد فراهم شدن شرایطی است که در آن شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و مکان‌ها توصیف شود و از خیال‌بافی به دور باشد. رئالیسم سعی دارد که به تحلیل اجتماعی، تجسم روابط اجتماعی، زندگی انسان در جامعه و رابطه‌ی فرد و جامعه بپردازد. رئالیسم از نشان دادن زندگی اقلیت مرفّه پافراتر می‌گذارد و توجه خود را بیش‌تر به جنبه‌های دردناک زندگی اکثریت مردم معطوف می‌دارد. او از طریق نشان دادن واقعیت‌های تلخ، به همه نشان می‌دهد تا برداشتی عینی از چند و چون زندگی روزمره مخصوصاً زندگی مردم محروم داشته باشند.

پیدایش رئالیسم در ایران را می‌توان به قبل از به وجود آمدن داستان «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده یعنی سال‌های مقارن نهضت مشروطیت و نویسندگان این دوره نسبت داد. «هم‌چنین با به وجود آمدن طبقه‌ی کارمندان در دوره‌ی رضاشاه، نویسندگانی زندگی آن‌ها را موضوع داستان‌هایشان قرار دادند و به شیوه‌ی رئالیستی به توصیف این

نوع زندگی پرداختند که همه‌ی سعی این نویسندگان در جهت بازتاب واقعیت‌های جامعه با زبان زنده‌ی مردم و هم‌چنین توصیف‌های دقیق و عینی موقعیت‌های گوناگون بود که همین امر زمینه را برای ورود رئالیسم در داستان‌نویسی ایران فراهم کرد» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۷).

موضوعاتی که در داستان‌های رئالیستی مورد توجه قرار می‌گیرد «زندگی اجتماعی، عرف و عادت مردم» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۲۷۴). واقعیت‌های ناگوار، رنج و سختی‌های زحمت‌کشان، فقر و محرومیت (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۱).

قهرمانان داستان‌های رئالیستی غالباً از طبقه‌ی متوسط اجتماع برگزیده می‌شوند که اینان نماینده‌ی هم‌نوعان و هم‌فکران خود هستند. از میان کتبی که به شیوه‌ی رئالیستی نوشته شده کتاب خاطرات شازده‌ی حمام است. این کتاب بخشی از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی دکتر محمدحسین پاپلی یزدی است. وی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در یزد به دنیا آمد دیپلم گرفت و در مهرماه ۱۳۴۶ در رشته‌ی جغرافیای دانشگاه مشهد مشغول به تحصیل شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس رفت و بعد از بازگشت در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت. به‌طور اتفاقی به جامعه‌ی نویسندگان ادبی کشیده شد و به نوشتن خاطره‌ای که از عام‌ترین و صمیمانه‌ترین گونه‌های نوشتار است، موفق شد. در این مورد می‌گوید: «برحسب اتفاق و به تشویق همسرم خاطرات پراکنده‌ام را نوشته‌ام» در ادامه بیان می‌کند که شازده‌ی حمام را نوشتم تا منشأ تحول باشد و در ادامه می‌گوید در کتاب خاطرات شازده‌ی حمام چند روی کرد اساسی داشتم:

۱- تا می‌شود جامعه را عریان کنم و واقعیت‌ها را به دور از پیچیدگی بنویسم.
۲- توجه به این موضوع که خواننده‌ی من کیست بنابراین سعی کردم جمله‌ها کوتاه باشد.

۳- سعی کردم جمله‌ها کوتاه باشد چون خواننده‌ی من افراد کم‌سواد بودند.
۴- یکی از موفقیت‌های این کتاب ساده‌نویسی است.

این کتاب بازگوکننده‌ی گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی، زندگی روزانه و فرهنگ مردم شهر یزد در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۰ است. تمام داستان‌های کتاب با خاطرات سال‌های کودکی و نوجوانی پاپلی آغاز می‌شود. توجه به واقعیت از ویژگی‌های رئالیسم است برای همین او نام اشخاص و نسبت‌های خانوادگی و پیوندهای اجتماعی افراد را با دقت بیان می‌کند و در بسیاری از موارد سرنوشت چهره‌های درخشان را که از میان همان طبقه‌ی محروم سر درآوردند و بعدها صاحب نام و نشان شدند پیگیری می‌کند می‌توان گفت قهرمان داستان‌هایش از طبقات محروم جامعه‌اند.

در آثار رئالیستی موضوع اثر هر چیزی می‌تواند باشد او با آوردن موضوعات متعدد و رنگارنگ به این نکته مهر تأیید زده است. عمده‌ترین پدیده در ادبیات رئالیستی توجه به تاریخ و جامعه است این کتاب وضعیت اجتماعی شهر یزد، روابط بین انسان‌ها، هنجارهای اجتماعی موجود در آن و موقعیت نقش‌های اجتماعی را در یزد آن زمان به تصویر می‌کشد. نویسندگان رئالیست برای بیان داستان‌هایشان زبان ساده و محاوره‌ای را به کار می‌گیرند که بیش از هر نثر دیگری معنی تحت‌اللفظی و واقعی دارد بطوری که اصالت و صحت تجربیات فردی و شخصی را به درستی منعکس می‌کند. نثر داستان‌های پاپلی، نثری روان، ساده و سلیس می‌باشد. فضای داستان صمیمی است و همین موضوع جنبه‌ی رئالیستی بودن داستان را تقویت کرده است.

۱-۲- پیشینه‌ی تحقیق

در سال ۱۳۹۲، محمود فتوحی رودمعجنی و هاشم صادقی به بررسی چگونگی شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی پرداختند. در این مقاله آن‌ها زمینه‌های شکل‌گیری رمان رئالیستی فارسی از دوران مشروطه را بر اساس نگرش تاریخ ادبی نشان داده و حرکت زبان فارسی به سوی واقع‌گرایی و تولد داستان‌نویسی به شیوه‌ی رئالیستی و تاثیر روزنامه‌نگاری بر آن، بررسی کرده‌اند. از مهم‌ترین مطالبی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است، می‌توان به گذار از رمان تاریخی به رمان اجتماعی، پیشگامان داستان‌نویسی رئالیستی فارسی و درون‌مایه‌ی غالب بر آثار رئالیستی اشاره کرد (محمود فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۲). در پژوهشی دیگر، هاشم صادقی محسن‌آباد به بررسی اصول و بنیادهای نظری رئالیسم در ادبیات پرداخته است. نویسنده در این مقاله برداشت‌های گوناگون از رئالیسم و شیوه‌های مختلف بررسی متون رئالیستی را بیان کرده و با مقایسه‌ی دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم، ویژگی‌های شاخص رئالیسم را بررسی کرده‌است (هاشم صادقی محسن‌آباد، ۱۳۹۳). در مقاله‌ای دیگر، رئالیسم و شاخصه‌های آن در آثار داستانی جلال آل احمد بررسی شده‌است (علی تقوی، ۱۳۸۹). مهناز محمدلو و نجمه نظری به بررسی نشانه‌های رئالیستی در آثار سیمین دانشور به ویژه کتاب جزیره‌ی سرگردانی او پرداخته و این رمان را از دو منظر محتوا و فرم مورد بررسی کرده‌اند (مهناز محمدلو، ۱۳۹۳). رضا صادقی شهپر و صفورا شفائی نیز در مقاله‌ای به بررسی شاخصه‌های رئالیسم در آثار جلال آل احمد پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که آثار وی به طور قابل ملاحظه‌ای با شاخصه‌های مکتب رئالیسم مطابقت دارد (رضا صادقی شهپر، ۱۳۹۲). محمد پاشایی و ابوالفضل رضانی در پژوهشی به واکاوی مولفه‌های رئالیسم در آثار جمال‌زاده

و آل احمد پرداخته و آثار و سبک نویسندگی آن‌ها را مقایسه کرده‌اند. مولفان این مقاله به این نتیجه رسیدند که هر دو نویسنده، به شخصیت‌های داستان‌های خود ویژگی‌هایی می‌بخشند که برگرفته از فردی خاص و یا ترکیبی از مختصات خود نویسنده است. این دو نویسنده برای ارائه‌ی تصویر و رونوشتی از واقعیت از نثر به عنوان ابزاری کارآمد بهره برده و داستان را با زبانی ساده، شفاف و به‌دور از پیچیدگی و صناعات ادبی روایت کرده و برای نگارش داستان، از اصطلاحات، تعابیر و ضرب‌المثل‌های عامیانه استفاده کرده‌اند (محمد پاشایی، ۱۳۹۶).

۱-۳- روش کار

پس از مطالعه و بررسی سبک رئالیسم در ادبیات و مرور آثار ادبی برجسته‌ی این مکتب با توجه به این‌که کتاب خاطرات شازده‌ی حمام اثر دکتر محمدحسین پاپلی یزدی به عنوان یکی از جدیدترین و برجسته‌ترین آثار رئالیستی ادبیات ایران شناخته می‌شود و از آن‌جا که طبق مطالعات انجام شده تا به حال پژوهشی در زمینه‌ی مکتب رئالیسم در مورد این کتاب صورت نگرفته در این مقاله به مطالعه و بررسی شاخصه‌های رئالیسم در کتاب شازده‌ی حمام پرداخته شده است. در این راستا پس از مطالعه‌ی دقیق و موشکافانه‌ی کتاب به منظور ارائه‌ی پژوهشی کامل و جامع از روش توصیفی و تحلیل محتوایی بهره گرفته شده است.

در ادامه‌ی مقاله در بخش ۲ نتایج حاصل از این تحلیل ارائه شده و شاخصه‌های رئالیستی در زمینه‌های شخصیت‌پردازی، توصیف رئالیستی و پرداختن به جزئیات، توصیف مکان، توصیف شخصیت، زنان در خاطرات شازده‌ی حمام، بازتاب مسائل فرهنگی، زبان، فاصله‌ی طبقاتی، اقتصاد و اوضاع اجتماعی و سیاسی بررسی و در بخش سوم به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی پرداخته شده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- شخصیت‌پردازی

قهرمان‌ها و شخصیت‌های داستان کسانی هستند که با رفتارها و گفتارهای خود داستان را به وجود آوردند. آن‌ها گاه از آغاز تا پایان داستان ثابت و بدون تغییر حضور دارند و گاه بر اثر عوامل گوناگون، به تدریج یا به طور ناگهانی فضای داستان را ترک می‌کنند یا خود تغییر و تحوّل می‌یابند.

«شخصیت‌پردازی آفرینش اشخاص با ویژگی‌های اخلاقی و روحی مشخص در داستان

یا شعر روایتی است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۶۴). «شخصیت‌پردازی یکی از عناصر اصلی داستان است که نویسنده از طریق آن می‌تواند به قهرمان داستانش چهره‌ای واقعی ببخشد. واقعی و ملموس جلوه دادن شخصیت‌های داستان رابطه‌ی تنگاتنگی با میزان شناخت نویسنده از قهرمان داستانش دارد» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۲۰). «در داستان رئالیستی هر شخصیت علاوه بر این‌که ویژگی‌های خاص خود را دارد توصیف‌کننده‌ی قشر و طبقه‌ای است که از آن برخاسته است» (گلشیری، ۱/۱۳۸۰: ۲۳۵).

در واقع، نویسنده‌ی رئالیست در خلق شخصیت داستانی خود، ضمن توجه به ویژگی‌های فردی وی، می‌کوشد بسیاری از خصوصیات طبقه‌ی اجتماعی او را نیز به صورت فشرده در او جمع آورد. در مجموع با این تمهیدات شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی راکد و ایستا نیستند و در جریان حوادث داستان دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند.

کتاب «خاطرات شازده‌ی حمام» از نظر شخصیت‌پردازی رئالیستی، اثری قابل توجه است؛ نویسنده به قصد نشان دادن واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، بی‌عدالتی، نادیده گرفتن حقوق زنان، فاصله‌ی طبقاتی و ... شخصیت‌های واقعی و ملموس آفریده است که واقعیت‌های زندگی است در واقع هیچ‌گونه خیال‌بافی که زائیده‌ی پندار است در آفریدن آن‌ها دیده نمی‌شود. به لحاظ دقتی که در تصویر ظاهر و باطن افراد به کار گرفته دارای بُعد شاخص رئالیستی است. شخصیت‌های داستان کوتاه او زنده، واقعی، متنوع و گوناگون هستند در حقیقت آن‌چه را که می‌نویسد با آن‌ها زندگی کرده است.

شخصیت‌ها دو گونه‌اند: ۱- شخصیت اصلی که محور حوادث داستانی است ۲- شخصیت فرعی که جهت پررنگ کردن شخصیت اصلی وارد می‌شود. شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی همه واقعی، معاصر و از طبقات مختلف اجتماعی و یا به عبارتی محصول حوادث واقعی و عکس‌العمل‌هایی که فرد را در برابر این حوادث نشان می‌دهد، هستند. این شخصیت‌ها با تمام جزئیاتشان معرفی می‌گردند و خواننده می‌تواند به آسانی آن‌ها را مجسم کند. شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی از نظر اقتصادی و اجتماعی پایین هستند.

پاپلی نیز شخصیت‌های کتاب خود را از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده انتخاب کرده است آن‌ها مردم عادی و معمولی هستند نمونه‌ی این شخصیت‌ها: خود نویسنده (پاپلی) در شازده‌ی حمام، عباس در انشای فایده‌ی گاو، معصومه‌ی فاطمه‌جان در مبارزه برای عشق و آزادی، اصغر و

این کتاب در خیلی موارد سرنوشت چهره‌های درخشان را که از میان طبقات محروم سربرآورده و در دوران بعد صاحب نام و نشان شده‌اند، پیگیری می‌کند مانند: داستان زری

سلطان (ج ۱: ۱۳۴).

«ویژگی دیگر در شخصیت پردازی رئالیستی، پویایی شخصیت‌هاست» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۳۱). به نحوی که گاه شخصیت داستان چنان متحول می‌شود که در پایان دیگر آن شخصیت نخستین نیست گاه به اوج می‌رسد گاه به حضيض نمونه‌ی به اوج رسیدن می‌توان به شخصیت اصغر حمال (ج ۲: ۲۴) اشاره کرد که از حمالی به صرافی رسید نمونه‌ی به حضيض رسیدن عباس (ج ۱: ۱۰۲) وی از این وضع ناراحت است و می‌گوید: «هر کس حرکت کرد هر کس از این محله و شهر کند و به شهرهای دیگر رفت زندگیش خوب شد. من و خواهر و برادرهایم بی پدر و مادر بودیم، مجبور شدیم در همین کوچه‌ها و زاغه‌ها زندگی کنیم. بی حرکتی ما را که فقیر بودیم زمین گیر کرد. او به شدت طرفدار مهاجرت است» (ج ۱: ۱۱۲).

در این کتاب شخصیت‌ها این گونه‌اند که: «صدای همه یک طنین و یک آهنگ دارد تا آن جا که ممکن است شبیه هم فکر می‌کنند و شبیه هم حرف می‌زنند» (کیانوش: ۲۸۷-۲۸۸).

از شخصیت‌های بسیار خوب و اخلاقی این کتاب «حاجی گزفروش اصفهانی» (ج ۲: ۱۳۳) در داستان «سرنوشت یار دبستانی» است. «حاجی متوجه مشکل مالی من شد. او گفت: خرج تحصیل شما به عهده‌ی من. شما با خیال راحت درس بخوان او اصرار کرد و من ابرام. حاجی گفت من تا ریال آخر پولی که به شما بدهم را می‌نویسم هر وقت دکتر شدی پس بده» (ج ۲: ۱۳۳).

«نویسنده‌ی رئالیست به هیچ وجه لزومی نمی‌بیند که فرد مشخص و غیرعادی و عجیبی را که با اشخاص معمولی فرق دارد به عنوان قهرمان داستان خود انتخاب کند مثلاً وقتی نویسنده‌ی رئالیست می‌خواهد یک جنگ را موضوع کتاب خود قرار دهد هیچ شکی نیست که در انتخاب قهرمان، افسر جزء یا سرباز را بر فرماندهی لشکر ترجیح می‌دهد، زیرا قشر سرباز به محیط جنگ نزدیک‌تر و تأثیرات محیط در او خیلی بیش‌تر از فرمانده است و علت تمایل بارزی که رئالیست‌ها به افراد کوچک و بی‌اهمیت نشان می‌دهند همین است» (سیدحسینی، ۱/۱۳۷۶: ۲۸۸).

قهرمان داستان‌های شازده‌ی حمام وجود حقیقی دارند و مهم‌ترین ویژگی واقعی آن‌ها این است که می‌توانند تأثیرات اجتماع را از هر نظر منعکس کنند نمونه‌ی آن: حاجی احمد در مهمانی اشکذر (ج ۲: ۱۲۲).

«رفیق غیر یزدی ما سفره را باز کرد وقتی سفره باز شد من دیدم به جای چهار بطری شراب قرمز چهار بطری پر از مایع سفید است همه‌ی بچه‌ها جا خوردیم. حاجی احمد

گفت این‌ها عرق بیدمشک است که خودمان گرفته‌ایم برای سلامتی خیلی خوب است حاجی وقتی وارد اتاق شده بود بطری‌های شراب را با بطری‌های عرق بیدمشک عوض کرده بود. ما پنج بچه با شگرد حاجی از شرّ شیطان رها شدیم» (ج ۲: ۱۳۰).

اکثر قهرمانان از محیط خویش جلوتر هستند و برای رسیدن به وضع اجتماعی تازه‌ای تلاش می‌کنند قهرمان‌ها با وضع موجود در نبرد هستند و برای تغییر آن تلاش می‌کنند نمونه‌ی آن معصومه دختر فاطمه‌جان (ج ۱: ۱۹۲)، مجید در داستان «سرنوشت یار دبستانی» (ج ۲: ۱۳۱). مجید بدون خبر از خانه به اصفهان رفت و در آن‌جا کارگر یک مغازه‌ی گز فروشی شد و شب‌ها را به درس خواندن می‌گذرانید تا این‌که در رشته‌ی پزشکی قبول شد و ...

۲-۲- توصیف رئالیستی و پرداختن به جزئیات

«نویسنده‌ی رئالیست صحنه‌ها را به قصدی تشریح می‌کند که خواننده از شناختن آن صحنه‌ها بیش‌تر با قهرمانان و وضع روحی آن‌ها آشنا شود. یعنی او فقط در موردی به توصیف صحنه‌ها اقدام می‌کند که به آن احتیاج دارد» (سیدحسینی، ۱/۳۷۶: ۲۸۹).

«نویسنده‌ی رئالیست وظیفه‌ی خود می‌داند تا تمام آن‌چه را که می‌بیند با تمام خصوصیات و ریزه‌کاری‌ها به صورت زنده و ملموس انعکاس دهد و تصویری واقعی از قیافه و حرکات شخصیت‌ها و حتی اشیای خارجی برای خواننده ترسیم کند» (لشکری، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۵۰).

نویسنده‌ی رئالیست می‌خواهد علاوه بر واقعیات بیرونی و جنبه‌های باطنی، عادات و اخلاق را هم توصیف کند هم جسم، هم روح. نویسنده صحنه‌ها را آن‌قدر هنرمندانه توصیف می‌کند که گویی خواننده صحنه‌ی واقعی را پیش چشم خود می‌بیند. او می‌خواهد با کمک این وصف‌های زنده و جاندار واقعیت را هرچه بیش‌تر و روشن‌تر به خواننده نشان دهد. بدون شک نویسنده همه‌ی تسلط خود را در توصیف مدیون مشاهدات دقیق و تجربه‌های ارزشمند خویش می‌داند که با گذر زمان و در ارتباط با آن‌ها کسب کرده است. نیروی او در توصیف زاینده‌ی مشاهده، تجربه و تأمل است. توصیف در این کتاب طبیعی و واقعی است. نویسنده به توصیف شهر و محله‌های خود پرداخته به طوری که می‌توان مکان‌ها را از نزدیک دید و صحنه‌ها را مشاهده کرد. وی توصیف زندگی مردم عادی، نیازها و نگرانی‌هایشان را طی جوّ حاکم بر نظام اجتماعی در قالب روایت‌های داستان گنجانده است. اینک نمونه‌هایی از آن: توصیف مکان، توصیف زمان، توصیف شخصیت.

۲-۲-۱- توصیف مکان

در توصیف مکان‌ها در نوشته‌های رئالیستی مکان با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش به گونه‌ای توصیف می‌شود که خواننده احساس می‌کند عکسی واضح از یک مکان واقعی را می‌بیند. در این کتاب بالاترین توصیف، توصیف مکان‌هاست مخصوصاً توصیف اماکن متبرکه و مذهبی مثل حسینیه‌ی اصلی پشت باغ، حسینیه‌ی کوچه‌ی خطیب و حسینیه‌ی کوچه‌ی میرقربان نمونه‌ها: «حسینیه‌ی خلف باغ دارای شش میز چای بود دو میز بزرگ که دو طرف ساختمان در قسمت دو ضلع طولی وسط حسینیه گذاشته می‌شد مخصوص صنف مسگر بود و بیش‌ترین چای را آن‌ها می‌دادند» (ج ۱، ۱۳۸۴: ۵۲).

«در سوم به یک هشتی که چند پله گودتر از حیاط اولی بود باز می‌شد و از هشتی با یک پله وارد صحن حیاط مدرسه می‌شدیم که باغچه‌ی نسبتاً بزرگی با انواع درختان بخصوص درخت انار داشت. حوض نسبتاً بزرگی هم در همین طرف حیاط جلو اتاق مدیر و ناظم قرار داشت. کارگاه مدرسه و کلاس ششم نیز در دو طرف دیگر حوض قرار داشتند» (ج ۱: ۶۷).

«سرحمام دارای چند غرفه‌ی رخت‌کن، غرفه‌ها کم‌نداشت هر کس بقچه‌ی لباسش را کنار غرفه‌ی رخت‌کن

می‌گذاشت غرفه‌ها حدود یک متری بلندتر از کف سرحمام بودند وسط سرحمام یک حوض بود و کنار حوض بساط دلاک قرار داشت» (ج ۱: ۳۸). در میان مکان‌هایی که نویسنده از آن سخن به میان آورده است محل پشت باغ از اهمیت خاصی برخوردار بود به این دلیل که محل سکونت او بوده است.

۲-۲-۲- توصیف زمان

یکی از مواردی که در شرح جزئیات مدنظر است عنصر زمان است که باید آن را در همه‌ی رویدادها مورد بررسی قرار داد در مورد عنصر زمان در داستان‌های رئالیستی به دو موضوع باید اشاره کرد: یکی برجسته شدن زمان که نویسنده داستان‌هایش را زمان‌بندی و تا حد زیادی روز، ماه، سال و حتی ساعت را مشخص می‌کند و دیگر تقویمی بودن زمان که نویسنده رویدادها را بر حسب الگوی تقویمی زمان بیان می‌کند. نویسنده برای انتخاب تاریخ زمان خود به برش زمان دست می‌زند و مقطع زمانی بین سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۰ را انتخاب می‌کند این کتاب در خیلی موارد به ذکر سال و تاریخ‌گذاری می‌پردازد مثل «سال ۱۳۴۳ که به بافق رفتیم ۳۰-۴۰ درصد آدم‌ها بخصوص بچه‌ها پابرنه بودند. در سال ۱۳۴۹ آدم پابرنه پیدا نمی‌شد یا من ندیدم. راه یزد به بافق را در سال ۱۳۴۳ ده

ساعته با کلی ماجراها رفته و در سال ۱۳۴۹ ظرف کمتر از دو ساعت همین راه طی شد» (ج ۲: ۱۶۴).

۲-۲-۳- توصیف شخصیت

در این کتاب درصد زیادی از توصیفات، توصیف اشخاص است. این توصیفات هم ویژگی صوری و ظاهری و هم ویژگی اخلاقی و حالات روحی و روانی شخصیت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد نمونه: «مراد بیده‌ای مردی متدین، باایمان، مخلص و از طرفداران حاج شیخ غلامرضا بود ... پیرمردی ۸۳ ساله، لاغر، کوتاه قد و بسیار زبر و زرنگ و چالاک بود. از جوان‌ها بیش‌تر فعال بود. با دو سبوی پر از آب از ته آب‌انبار حسینی‌هی نقشین با ۴۲ پله، سریع بالا می‌آمد از آن روز که مراد خواب دیده بود گیوه‌هایش را پا کرد قبایش را پوشید و کمربندی بر روی قبایش بست. سرش به طور کامل تاس شده بود ولی کلاه نمی‌گذاشت. او شروع کرد خانه به خانه از مردم حلال بودی طلبیدن اگر کسی طلبی از او داشت به آن‌ها داد ...» (ج ۱: ۲۳۰-۲۳۱).

نویسنده در موارد مختلف دیگری، توصیفات را به صورت جزء به جزء بیان کرده است مثل: «مادرم ۱۵ ریال به من داد ۵ ریال آب، ۵ ریال دلاک، ۲ ریال اصلاح سر و ۳ ریال انعام» (ج ۱: ۴۰).

۲-۳- زنان در خاطرات شازده‌ی حمام

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده است در مورد بانوان یزد در دهه‌ی ۳۰ تا ۴۰ است. جامعه‌ای که زن به حاشیه رانده شده بود. زنان در این داستان‌ها در یک نظام نابسامان اجتماعی، قربانی ستم‌هایی از قبیل ازدواج اجباری، تعدد زوجات، خرافات، روابط نادرست خانوادگی و زندگی با مردان غیردلخواه می‌شوند. اکثریت این زنان از طبقه‌ی محروم جامعه هستند و بعضی از طبقه‌ی مرفه. همه‌ی آن‌ها یک ویژگی مشترک دارند آن هم وفاداری به شوهر. آن‌ها واقعاً مصداق ضرب‌المثل «زن خوب فرمانبر پارسا / کند مرد درویش را پادشاه» هستند نمونه‌ی آن‌ها «حاج نورسته خانم» (ج ۲: ۸۱) که از خانواده‌ای متمول و سرشناس بود با وجود بی‌وفایی همسرش حسن آقا و خوش‌گذرانی‌های شبانه و ازدواج مجدد باز هم تا پایان عمر نسبت به همسرش وفادار ماند نمونه‌ی دیگر «بسه» (ج ۲: ۸۲) وی دختر پنجم خانواده بود. او را به این نام خواندند یعنی دیگر دختر بس است. با وجود این که همسر وی، اکبر، سیاه بود و زن‌های متعددی داشت و کارهای نامشروع انجام می‌داد او باز به اکبر وفادار بود و فقط سلامتی همسرش را از

خدا می‌خواست. با وجود این که اکبر خرجی او را نمی‌داد و بسه مجبور بود در کارخانه کار کند با این حال بسه در آخر ماه مبلغی از درآمد خود را برای اکبر می‌گذاشت و می‌گفت اکبر خرج دارد!

زن در این کتاب نماینده‌ی زن جامعه‌ی سنتی یزد می‌باشد که تمام وقت و عمرش صرف خانه‌داری و نگهداری فرزندانش می‌شود تا آن‌جا که برای گذراندن زندگی حتی بیش‌تر از مرد خویش علاوه بر کار منزل به کارهایی از قبیل پنبه پاک‌کنی در کارخانه‌ی اقبال، گیوه‌چینی و ... می‌پردازد و حتی شیرش را برای دو بچه‌ی دیگر می‌فروشد و در حقیقت کار گاو را می‌کند و کمک خرج خانواده‌اش می‌شود.

قهرمان‌ترین زن خاطرات پاپلی «زری سلطان» (ج ۱: ۱۳۴) است دختری که بیماری کیست تخم‌دانش با بارداری اشتباه می‌شود و پس از یازده ماه شکنجه بی‌گناهی‌اش در حالی ثابت می‌شود که آثار داغ کردن روی پاهایش هنوز هم وجود دارد اما زری که دختر باهوشی است با همه‌ی این مصیبت‌ها در اکبر درس می‌خواند و وارد رشته‌ی پزشکی دانشگاه شیراز می‌شود و اکنون پزشک حاذقی در خارج از کشور است. او نمونه‌ی زنی است که با تقدیر غالب جامعه جنگیده است. این داستان به قدری زیباست و پیامد جالبی دارد که مدتی است نمایش آن در تالار هنر یزد روی صحنه است و مورد استقبال همگان قرار گرفته است. بخش عمده‌ی زنان خاطرات پاپلی، در سنین کودکی و به اجبار با مردانی که سنی به اندازه‌ی پدربزرگشان دارند ازدواج می‌کنند و بدون این که لذتی از زندگی ببرند روزگار می‌گذرانند نمونه: «زن ۳۵ ساله‌ی یزدی که در ۹ سالگی زن مرد تریاکی شده بود که از او ۳۸ سال بزرگ‌تر بوده است». «در این کشور زنان در طول تاریخ نقشی بسیار اساسی و سازنده در همه‌ی امور اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی داشته‌اند. مهم‌ترین نقش آن‌ها، تربیت آدم بوده است. توجه کنید؛ نگفتم تربیت فرزند، بلکه تربیت آدم» (ج ۲: ۱۳۷).

زنان این کتاب غالباً «زنان مظلوم، ستم‌دیده و قربانی تقدیر هستند و گاه عده‌ای از آنان به مبارزه با تقدیر غالب جامعه پرداخته‌اند نمونه‌ی آن: داستان معصومه‌ی فاطمه‌جان (ج ۱: ۱۹۲) که علیه سنت و تقدیر جنگید و سرانجام در راه مبارزه برای عشق و آزادی پیروز شد.

در این کتاب با شیرزنانی مواجه می‌شویم که با فقر دست و پنجه نرم کردند اما تسلیم نشدند نمونه‌ی آن: حاجی معصومه (ج ۲: ۳۴۹) که با سرمایه‌ی خویش خیریه‌ای ساخت و ده‌ها کودک بی‌سرپرست را نگهداری می‌کرد.

۲-۴- بازتاب مسائل فرهنگی

فرهنگ همواره به عنوان یک عامل مهم و تاثیرگذار در جامعه مطرح بوده است. پاپلی خود متعلق به یزد است. در کنار این مردم زندگی کرده است و این طبیعی است که هر هنرمند با اصالتی جنبه‌های فرهنگی زبان، آداب و رسوم کهن و باورهای خویش را در نظر می‌گیرد و با عشق و علاقه‌ای عمیق به آن می‌پردازد. او در این داستان‌ها آداب، سنت‌ها، اعتقادات و فرهنگ عامه را به تصویر می‌کشد.

۲-۵- زبان

زبان پاپلی در داستان‌هایش ساده و روان است و شخصیت‌ها مطابق ویژگی‌های سنی و اخلاقی‌شان صحبت می‌کنند و هدف آن‌ها رساندن مطلب به خواننده است نه فخرفروشی به مخاطب. در موارد زیادی ضرب‌المثل را چاشنی سخن خود ساخته است نمونه‌ی آن «کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد» (ج ۲: ۳۲۴)، «آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت» (ج ۱: ۴۱) اشاره به آداب و رسوم، باورهای مردم و اخلاقیات «ما هم باغ داریم یعنی ما هم مهم هستیم» (ج ۱: ۱۲۳).

در این داستان‌ها آدم‌ها با آداب و رسوم، باورها و اعتقادات خویش زندگی می‌کنند که همه مبتنی بر فرهنگ ایرانی است. این مسئله جزء جدانشدنی سبک رئالیسم اجتماعی است که در این شیوه نذر و نیاز مردمی و اعتقادات استوارشان، از رفتن به مشهد، مردم‌داری، وطن‌دوستی، مردانگی و ... سخن رفته است.

اعتقاد راسخ به حضرت ابوالفضل در این نمونه: «مردم صد تا قسم دروغ خدا و پیغمبر و قرآن اگر می‌خوردند جرات آن که یک دروغ به دست‌های بریده‌ی ابوالفضل‌العباس (س) بخورند نداشتند و هنوز هم در اکثر شهرها و روستاهای کشور همین طور است» (ج ۱: ۱۸۹).

نمونه‌ی نذر و نیاز مردمی که بر مبنای نیت واقف در تمام مدت ده روز اول محرم آش می‌پختند «در حسینی‌هی بیده روضه‌خوانی بود و بساط آش نذری برپا بود. واقفی املاک‌ی وقف کرده بود که در ده روز اول محرم باید از درآمد وقفیات او آش نذری می‌پختند. روز اول همه‌ی مردم برای گرفتن آش می‌رفتند و همه می‌خوردند. روز دوم و سوم همین‌طور، روز چهارم و پنجم در کوچه جار می‌زدند اما کسی آش نمی‌خواست. روز ششم عده‌ای آش را برای حیوانات خود می‌بردند و روز آخر مقدار زیادی آش‌ها در آب قنات می‌ریختند که ماهی‌ها بخورند» (ج ۱: ۴۸).

در فرهنگ مردم یزد عزیز داشتن مهمان نشانه‌ی انسانیت است نمونه: «درست وقتی

که ما در باغ داشتیم مست‌بازی در می‌آوردیم حاجی احمد سر جوی آب آمد وضو گرفت و به نماز ایستاد. آن نماز او در جمع مستانه‌ی ما، نهیبی بر عقل من بود. چطور این آدم مومن حاجی که سر موقع نماز می‌خواند، از ما بچه‌های مست با احترام پذیرایی کرد. آیا در فرهنگ ما میهمان اینقدر عزیز و محترم است؟» (ج ۲: ۱۳۶). مثال برای بازتاب فرهنگی تکنولوژی: «واقعاً این برق، رادیو و بخصوص تلویزیون چه خدمتی به این مردم کرد. خدا جد و آباد مخترعین و سازندگان آن‌ها را بیامرزد. تکنولوژی برق و باتری عادت چند هزار ساله‌ی نشستن سر کوچه را از بین برد» (ج ۱: ۱۹۷).

۲-۶- فاصله‌ی طبقاتی

از جلوه‌های مهم در رئالیسم بیان شیوه‌ی زندگی طبقات مختلف که در کنار هم زندگی می‌کنند می‌باشد. نویسندگان رئالیسم در آثار خود با وجود به تصویر کشیدن هر دو طبقه‌ی بالا و پایین جامعه بیش‌تر به واقعیت‌ها و رنج‌های مربوط به طبقه‌ی کارگر توجه می‌کنند و به دفاع از آن‌ها می‌پردازند. اصلی‌ترین داستان در این کتاب که فاصله‌ی طبقاتی را به وضوح بیان می‌کند داستان شازده‌ی حمام است که در مورد زندگی خود نویسنده است و به واسطه‌ی برجستگی آن، کتاب به این نام خوانده شده است «وقتی به حمام می‌رسیدم پدرم ساعتی بود به حمام رفته بود وقتی وارد حمام می‌شدم رضا دلاک با سلام و صلوات مرا بلند می‌کرد و به داخل حمام می‌برد. وقتی پدرم مرد طبق معمول داخل خزینه شدم هیچ دلاکی مرا کیسه نکشید... و در مقابل اعتراض مادرم استاد جعفر حمامی گفت آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت» (ج ۱: ۳۸-۴۱). «پول معیار شازدگی بود. من که از ۶ سالگی از شازدگی افتاده بود دیگر دلاک‌ها مرا بغل نمی‌کردند و به صحن حمام نمی‌بردند.» (ج ۱: ۴۲).

۲-۶-۱- طبقاتی بودن مدارس و تنبیه بچه‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی

آن‌ها

«بچه‌های ثروتمندان بیش‌تر به مدرسه‌ی نمونه (جنب دبیرستان ایرانشهر) یا مدرسه‌ی کیخسروی و مارکار می‌رفتند. مدرسه‌ها خود نقش مهمی در جدایی طبقات اجتماعی داشته و دارند» (ج ۱: ۱۳۳).

۲-۶-۲- جدایی طبقات اجتماع از یکدیگر

«در شروع عصر مدرن وقتی آب لوله‌کشی، وسایل حمل و نقل جدید و تلفن و ... پیدا

شد، ثروتمندان و فقرا و متوسط‌الحال هر یک در محله‌ای جداگانه ساکن و همسایه‌ی یکدیگر شدند و فضای کالبدی شهر نیز با طبقات اجتماعی تطبیق یافت» (ج ۱: ۱۳۰). گاه فاصله‌ی طبقاتی از انسان گذشته و به حیوانات نیز سرایت می‌کند «برادرم می‌گفت گاو آمریکایی را هرگز کتک نمی‌زنند، به او بی‌احترامی نمی‌کنند، در طویله‌هایی تاریک و نم‌دار نگه نمی‌دارند. با آن‌ها شخم نمی‌زنند... اما گاو کوچه بیوکی احترام ندارد، کتک می‌خورد، سوارش می‌شوند و ...» (ج ۱: ۱۰۸).

۲-۷- اقتصاد

مسائل اقتصادی همواره به عنوان یک امر مهم و قابل توجه در زندگی از جایگاهی خاص برخوردار هستند. در داستان‌های رئالیستی نیز به عنوان بازتاب‌دهنده‌ی زندگی واقعی این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد «چند تا از بچه‌هایی که بابایشان کارگر کارخانه بودند فقط یک شلوار داشتند. همان یک شلوار را پачه‌هایش را از زانو بریده بودند و شلوار کوتاه درست کرده بودند و به مدرسه آمده بودند. آن پاهای کوچک و لاغر، آن صورت‌های چروکیده و سیاه شده از گرسنگی... چه سربازان خوب و آبرومندی برای نظام شاهنشاهی بودند» (ج ۱: ۱۷۴). نویسنده در جلد اول توجه خواننده را به پدیده‌ی قنات جلب می‌کند «از کم شدن آب قنات صحبت کرد از این که چاه‌های عمیق دارد قنات‌ها را می‌خشکاند از این رو هر چه می‌کارند صرف اقتصادی نمی‌کند اگر این‌طور باشد همه‌ی کشاورزها کارشان را رها می‌کنند» (ج ۲: ۱۳۱).

نویسنده وضع اقتصادی دبیران را خوب دانسته و می‌گوید «آن موقع حقوق دبیران کافی بود و آن‌ها در تابستان کتاب می‌خواندند و یا جهت استراحت به ییلاقات می‌رفتند و لزومی نداشت برای امرار معاش خود دست به هر کاری بزنند» (ج ۱: ۱۲۰). سرگذشت کتیرایی‌ها بخش اعظمی از جلد دوم کتاب را تشکیل می‌دهد. به قول نویسنده «اینان عصاره‌ای از فقر و فاقه هستند که برای ۴ یا ۵ ماه اجیر می‌شدند و از صبح سحر تا آخر شب در اختیار ارباب بودند چه بسا افرادی در این راه جان می‌دادند سرکارگرها هم صورت‌جلسه‌ی جعلی ترتیب می‌دادند و همان‌جا او را دفن می‌کردند و با مبلغی ناچیز خانواده‌اش را به سکوت وا می‌داشتند.

مسئله‌ی اقتصادی برجسته‌ای که در داستان توجه می‌شود، رباخواری است: «محمدعلی خیز برداشت که دو تا آدم قدیمی نزول‌خوار دارند خاله‌ام را مثل مادرم می‌کشند. آقامصطفی در جواب نوه‌ی حاجی حسن آقا گفت حاجی نزول‌خوار نیست کار مردم راه می‌اندازد. پیش آقاسیدجواد (دلال بازار) رفتیم و او صیغه‌ی شرعی معامله را

۲-۸-۵- مهاجرت

مهاجرت به دو طریق صورت می‌گرفت:

۱- مهاجرت مردها به بمبئی، پونای هند و کویت مثال «مهاجرت مردها برای کار و غیبت طولانی آن‌ها و وجود زن‌های جوان شبیه بیوه یکی از معضلات اجتماعی محله‌ی ما بود» (ج ۱: ۱۷۷).

۲- فرهنگ تساهل، تعامل، دوستی و مهربانی شهر یزد همه را در خود هضم کرده است و مهاجران مختلفی را در خود جای داده است مثل «فاطمه دختر ۸-۹ ساله، مهاجر از دهات رفسنجان بود که پدر و مادرش مرده بودند. خاله‌اش که کارگر کارخانه‌ی اقبال یزد بود او را بزرگ می‌کرد» (ج ۲: ۸).

۲-۸-۶- خدمتکاری بچه‌ها

بردن بچه‌ها به خدمتکاری به خاطر فقر و استثمار آن‌ها که امروزه به آن‌ها کودکان کار می‌گویند «جواب مادر بیچاره‌اش را چه بدهم؟ بچه‌اش را به خاطر ۱۱۰ تومان به من سپرد. ما بیچاره‌ها یکی از یکی بیچاره‌تریم» (ج ۲: ۳۰۷).

۲-۸-۷- تعصب

یکی دیگر از معضلات اجتماعی تعصب و توجه به قضا و قدر است «حاجی حسن‌آقا در جواب التماس دختر دیگرش که به پدر می‌گفت خواهرم دارد می‌میرد یک کاری بکنید گفت این‌ها نمی‌دانند که این دختر پاره‌ی تن من است ولی من روی قضا و قدر و قسمت و خواست خدا چکار می‌توانم بکنم» (ج ۲: ۷۲).

۲-۸-۸- بی‌عدالتی

«عوامل زیادی باعث شد بچه‌ها را از ادامه‌ی تحصیل منصرف کند بنابراین فقر و فاقه، جامعه‌ی سنتی و روحیه‌ی کاسب‌کاری و تاجر‌مسلمکی یزدی‌ها، نیاز به نیروی کار کودکان و فشار روحی و جسمی برخی آموزگاران و ناظم شلاق بدست، بی‌سوادی خانواده‌ها، مجموعاً موجب می‌گردید که حدود دوسوم دانش‌آموزان ورودی کلاس اول به کلاس ششم نرسند» (ج ۱: ۱۲۴) «با دید طبقاتی که آقای ناظم داشت، باید بچه‌های فقرا کتک می‌خوردند تا بچه‌های ثروتمندان ادب شوند» (ج ۱: ۱۳۳).

۲-۸-۹- مذهب

یکی از مسائل مهم جامعه مذهب است. فرهنگ عمومی یزد به گونه‌ای بود که در آن

مسلمان، یهودی و زرتشتی قرن‌ها دیوار به دیوار هم زندگی می‌کردند. نویسندگان در موارد بسیاری به ذکر مکان‌های مذهبی مثل حسینیه‌ها و مساجد پرداخته و هر دو را تجلی‌گاه اجتماعی افراد دانسته است. در این مورد گاه به موضوع شیعه و سنی اشاره می‌کند «یادت هست از موضوع شیعه و سنی می‌ترسیدی؟ گفت: والله نادان بودم حالا شوهر و بچه‌هایم سنی هستند و من و اصغر شیعه هستیم. اصلاً با هم سر این مسائل اختلافی نداریم» (ج ۲: ۳۷۴).

«زمانی به مقایسه‌ی عزاداری قبل و بعد از انقلاب می‌پردازد «در تمام محله‌ی ما شاید یکی دو نفر روزنامه‌خوان بودند، در این شرایط مسجد و حسینیه مرکز اطلاع‌رسانی و تبادل اطلاعات بود. سالی یک بار در حسینیه‌ی پشت باغ روضه می‌خواندند ولی در حسینیه‌های کوچک‌تر و در خانه‌ها و منازل گاه‌گاه روضه‌خوانی بود. روضه‌خوانی و مراسم عزاداری مثل حالا نبود» (ج ۱: ۱۸۷).

۲-۸-۱۰- مشاغل

نویسنده در پاره‌ای موارد به ذکر مشاغل گوناگون پرداخته که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به قالی‌بافی، پنبه پاک‌کنی، آبکشی، کتاسی، مسگری، سراجی، ماشین‌شویی، شعربافی، کارگری در کارخانه‌ی اقبال و یزدباف اشاره کرد. پاپلی اعتقاد دارد که «قشر ماشین‌شورها مظلوم‌ترین افرادی هستند که در گاراژها کار می‌کنند» (ج ۲: ۴۶).

۲-۸-۱۱- پیشرفت تکنولوژی

در کنار فقر و بدبختی پیشرفت تکنولوژی هم وجود داشت «آب لوله‌کشی که کیفیت آب فقیر و غنی را یکسان کرد» (ج ۱: ۱۳۳) «آوردن کارخانه‌ی برق که از خدمات زرتشتیان بود» (ج ۱: ۱۳۳) «بانک» (ج ۱: ۱۸۸) «خودکار در دهه‌ی ۳۰ در یزد مثل کامپیوتر در دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ بود» (ج ۱: ۱۷۸).

۲-۹- اوضاع سیاسی

آنچه در یک اثر رئالیستی توجه خواننده را جلب می‌کند، علاوه بر مسائل اجتماعی که مخاطب ویژه‌ی خود را دارد مسائل سیاسی است «حالا پس این انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها و شاهی‌ها که می‌توانند بشکه بشکه نفت را بخورند و استفرغ نکنند و به بیمارستان نروند باید با ما خیلی فرق داشته باشند» (ج ۱: ۱۳).

در جایی دیگر می‌نویسد «احمدآقا به من گفت دیدی شاهی‌ها، مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها

را زدند و بستند و کشتند و همه چیز تمام شد» (ج ۱: ۱۳) «کریم دزد نبود کار سیاسی کرده بود. با آقای رضایی رئیس کارخانه بد بود و او را به جرم دزدی زندانی کرده بودند» (ج ۱: ۹).

از موارد دیگر می‌توان به «ملّی شدن صنعت نفت ایران که اولین ملّی شدن در جهان سوم بود و تاثیر عمیقی بر نهضت آزادی‌بخش جهان داشت» اشاره کرد (ج ۲: ۳۶۸). نکته‌ی مهم دیگر رأی دادن زن‌هاست «و الا کار (رأی دادن) این زن‌های بی‌سواد و فقیر کوچه پس‌کوچه‌های ۴۵ سال قبل یزد کمتر از کار ستارخان و باقرخان سردار و سالار ملی نیست» (ج ۱: ۲۰۳).

۳- نتیجه‌گیری

کتاب خاطرات شازده‌ی حمام فراتر از شرح حال عمومی نویسنده است. وی بیش‌تر به وضعیت اجتماعی شهر یزد می‌پردازد و روابط بین انسان‌ها، هنجارها و موقعیت اجتماعی را در یزد آن زمان به تصویر می‌کشد. موضوع اصلی اثر، انعکاس فقر، رنج و بدبختی مردم جامعه است. فضا سازی بسیار جالب او به گونه‌ای است که خواننده می‌تواند یزد قدیم را مجسم کند. رئالیسم شیوه‌ای است که به تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه و روابط اجتماعی او

می‌پردازد. در داستان‌های پاپلی ویژگی‌های رئالیستی بسامد بالایی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها بیان وقایع اجتماعی است. نویسنده در تحلیل روابط موجود در جامعه از توصیف جزئیات زندگی غفلت نکرده است. وی با دنبال کردن سیر حوادث اجتماعی شهر یزد در دهه‌ی سی تا چهل به داستان‌هایش ارزش تاریخی بخشیده است.

در داستان‌های رئالیستی بر واقعی بودن شخصیت‌های داستان بسیار تأکید می‌شود. پاپلی نیز تلاش کرده است تا شخصیت‌های داستانش را واقعی و از میان افراد عادی جامعه انتخاب کند. افرادی که هم اکنون در قید حیات هستند و یا بازماندگان و نزدیکان آن‌ها در یزد حضور دارند. بعضی از آن‌ها هم شهرتی فراتر از یزد دارند مانند زری‌سلطان.

شیوه‌ی بیان دردها، غم‌ها و محرومیت‌ها از دیگر مواردی است که جنبه‌ی رئالیستی داستان‌ها را تقویت می‌کند. نویسنده علاوه بر ذکر رنج‌ها و سختی‌ها در داستان‌ها، خواننده را با زندگی سخت توده‌های مردم عادی اجتماع و کارگران آشنا می‌کند. تغییر و تحوّل در شخصیت‌های داستانش به وفور دیده می‌شود. با مطالعه‌ی داستان‌های کتاب، خواننده

به وجود اختلاف طبقاتی و درگیری شهری و محله‌ای یزد پی می‌برد. از ویژگی‌های برجسته‌ی اخلاقی که نویسنده در کتاب به آن پرداخته، مهمان‌نوازی، اخلاق پهلوانی، ایثار و گذشت، سخت‌کوشی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و دفاع از حقوق زنان است. او در توصیفات خود به عنصر زمان و مکان توجه خاص داشته، مکان‌هایی که اکثر آن‌ها واقعی و پابرجا هستند مثل کتابخانه‌ی وزیری و دبیرستان کیخسروی.

منابع

- ۱- پاشایی، محمد و ابوالفضل رمضانی. (۱۳۹۶). «واکاوی مولفه‌های رئالیسم در آثار داستانی جمال‌زاده و جلال آل احمد»؛ **زبان و ادبیات فارسی**، س ۷۰، ش ۲۳۵، (۱۷-۳۸).
- ۲- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۴). **خاطرات شازده حمام**، ج ۱، چ ۴؛ مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۳- _____ (۱۳۸۸). **شازده حمام**، ج ۱، چ ۱؛ مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۴- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). **داستان کوتاه در ایران (داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی)**، ج ۱، چ ۱؛ تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۵- تقوی، علی. (آذر ۱۳۸۹). «رئالیسم در ادبیات داستانی با نقدی بر داستان‌های جلال آل احمد»؛ **کتاب‌ماه ادبیات**، ش ۴۴، (۱۶-۲۲).
- ۶- دقیقیان، شیرین‌دخت. (۱۳۷۱). **منشأ شخصیت در ادبیات داستانی**، چ ۱؛ تهران: انتشارات دقیقیان.
- ۷- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۱). **نویسندگان پیشرو ایران**، چ ۶؛ تهران: انتشارات نگاه.
- ۸- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۶). **مکتب‌های ادبی**، ج ۱، چ ۱۱؛ تهران: انتشارات نگاه.
- ۹- صادقی شهرپر، رضا و صفورا شفائی. (تابستان ۱۳۹۲). «رئالیسم در داستان‌های جلال آل احمد»؛ **فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی**، ش ۱۶، (۲۸۱-۳۰۸).
- ۱۰- صادقی محسن‌آباد، هاشم. (بهار ۱۳۹۳). «تأملی در اصول و بنیادهای نظری رئالیسم در ادبیات»؛ **فصلنامه تخصصی نقد ادبی**، س ۷، ش ۲۵، (۴۱-۷۰).
- ۱۱- فتوحی رودمعه‌جی، محمود و هاشم صادقی. (پاییز ۱۳۹۲). «شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی»؛ **مجله علمی-پژوهشی جستارهای ادبی**، ش ۱۸۲، (۱-۲۶).

- ۱۲- کیانوش، محمود. (۱۳۷۸). «جلال آل احمد و داستان‌های کوتاه» **یادنامه‌ی جلال آل احمد به کوشش علی دهباشی**، تهران: انتشارات شهاب.
- ۱۳- محمدلو، مهناز و نجمه نظری. (پاییز ۱۳۹۳). «جزیره‌ی سرگردانی و مکتب رئالیسم»؛ **فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی**، س ۶، ش ۲۰، (۱۸۱-۲۰۴).